

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ اگست ۲۰۲۲

زمینه سازی ها برای آوردن مجدد طالب! (۹)

پنجشنبه - ۰۳ سنبله ۱۴۰۱ - کابل: حاکمیت مستعمراتی یعنی چه؟

هموطنان گرامی!

در ۸ قسمت قبلی به صورت جزوار مگر مختصر به تمهیداتی که امپریالیسم امریکا و شرکاء جهت گماشتن مجدد طالب بر اریکه قدرت چیدند، اشاراتی نمودیم. بسیار ممنون خواهم شد هرگاه خوانندگان چیز فهم فارغ از بغض "علی و عمر" نظرات شان را در مورد ارائه داشته و مطالب مطرح شده را نقد نمایند. به خوانندگان گرامی اطمینان می دهیم که نه تنها نقد شان را دشمنی نخواهم دانست و یا با توطئه سکوت در قبال آن برخورد نخواهم نمود، بلکه بسیار صمیمانه در حد فهم خود قضیه را بازتر خواهم کرد تا به نتایجی برسیم و اگر احیاناً کاستی و یا اشتباهاتی در برداشت هایم وجود داشته باشد، آنها را کامل و یا تصحیح نمایم.

هموطنان گرامی!

تا جایی که من متوجه شده ام در بین ما افغانها با تأسف در کل دو عامل باعث ابراز نظراتی می گردد که نه تنها با واقعیت ها انطباق ندارند بلکه بوی تحریف و واقعیت از آنها به مشام می رسد. این دو عامل یا علایق مفراطی ما به این و آن حرکت، روند و یا نهاد سیاسی است که نه تنها حاضر نیستیم حتی کمبودهای مشهود آنها را ببینیم بلکه گاهگاهی به جای انگشت گذاشتن بر آن کمبودها، از آنها ستایش می نمائیم؛ در حالی که عامل دوم عمدتاً پایه معرفتی داشته بدون آن که بدانیم و یا حد اقل در یک مورد خاصی اندکی تحقیق نموده باشیم، ابراز نظر می نمائیم و یا تلاش می نمائیم با قرینه سازی های مبتذل و دور از واقعیت، یک بحث را به جای شگافتن، به گره کور مبدل نمائیم.

یکی از چنین مواردی ماهیت طالب در گذشته و نظام ملاسالار در شرایط کنونی می باشد. اگر به بحث هائی از این سنخ دقت نموده باشید، حتماً در نوشته های سالهای پار متوجه شده اید که عده ای با تمام قواء می کوشیدند، بر دیگران بقبولانند که حرکت طالب "مقاوت ملی" است. این طیف در تحلیل های شان نه به ترکیب تبارگرایانه طالب توجه داشتند نه به خطوط فکری آنها حین دشمنی با نصف نفوس افغانستان یعنی زنان، با اقوام غیر تبار خودشان، نه اهداف و دورنمایی که طالب و طالبیسم نوید می داد که در صورت پیروزی بدان سمت حرکت خواهد نمود و نه هم به روابط آلوده و برده وار آنها با ارتجاع منطقه به خصوص استخبارات نظامی پاکستان و دولت آن کشور. طوطی وار شعار می

دادند که چون آنها ضد امریکا می جنگند!! لذا مقاومت ملی هستند، حاضر هم نبودند در یک بحث اکادمیک برداشت شان را از مقاومت ملی به مفهوم امروزی مطرح و یا به تحلیل های دیگران گوش داده پاسخ ارائه دارند.

آن مشکل امروز می شود گفت به علاوه آن طیف در بخش های دیگری نیز خود را در "مستقل دانستن" نظام ملاسالار متبازل ساخته، در درک ماهیت مشترک مگر شکل متفاوت "ادارات مستعمراتی" و "ادارات استعماری" پای شان می لنگد. این طیف که به صورت عمده خروج نظامیان امریکا و بقیه اشغالگران را علامت استقلال افغانستان کنونی و نظام ملاسالار معرفی می دارند، نکات آتی را در تحلیل شان فراموش می نمایند:

* - هر چند اشغالگران از درب خارج شده اند مگر از کلکین در وجود، هزاران سرباز، افسر و جنگجوی قبایلی مربوط ارتش پاکستان در افغانستان جهت سرکوب خلق ما حضور بالفعل دارند؛

* - انتقال قدرت نه بر مبنای جنگ که شکست یک طرف و پیروزی طرف دیگر را به ارمغان آورد، بلکه بر مبنای یک سازش و تبنانی ننگین بین اشغالگران و طالب صورت گرفته است؛

* - پایه و اساس انتقال که همان موافقتنامه ننگین دوحه باشد و طالب اصرار درد که به آن پایبند است عملاً به حاکمیت بعد از جمهوریت پوشالی ساقط شده، هویت و ماهیت مستعمراتی و تابع استعمار را داده است؛

* - طالب در آن موافقتنامه با عبارات دیگر همان معاهداتی را با اشغالگران امضاء نموده که در زمانش از "امیر دوست محمد خان" گرفته تا "امیر حبیب الله خان" بدان متعهد بودند، یعنی به جای جمله "دوست انگلستان دوست ما و دشمن آن دشمن ماست" و تمام صلاحیت ها جهت انتخاب دوست و دشمن در عرصه منطقه و بین المللی به انگلستان و به نمایندگی از آن هند بریتانوی سپرده شده بود، اینک صرف با عبارات دیگر عین مفهوم را افاده می نماید از جمله "به هیچ نیروئی اجازه نخواهند داد تا از افغانستان علیه منافع امریکا و دوستانش اقدامی صورت گیرد" و مواد مشابه در موافقتنامه بر همین مبناست که امریکا و به تبعیت از آن نوکرش پاکستان به خود حق می دهند، با طیارات بدون سرنشینش در اقصا نقاط افغانستان گشت و گذار نموده به میل و رغبت خود هرکسی را که خواسته باشند، هدف قرار داده از بین ببرند.

هموطنان گرامی!

این طرز دید که اگر نیروهای اشغالگر بالفعل در کشوری حضور نداشته باشد، نه تنها ماهیت ادارات مستعمراتی و استعماری را با یک دیگر خلط می نماید، بلکه در اساس جنگ های استقلال طلبانه از نوع "جنگ استقلال افغانستان در ۱۹۱۹" و ده ها و صد ها مورد دیگر در سراسر جهان را نیز نفی می نماید. یعنی با در نظر داشت این که بعد از دفع تجاوز دوم انگلیس در ۱۸۸۰ الی ۱۹۱۹ در تمام این ۳۹ سال نه تنها حتا یک عسکر انگلیس در افغانستان حضور نداشت بلکه حتا یک نماینده از نژاد انگلوساکسون نیز در افغانستان حق اقامت نداشت، چه چیزی باعث می شود که افغانستان آنروز را مستعمره دانسته، و جنگ ۱۹۱۹ بین اردوی افغان و انگلیسها را "جنگ استقلال" نام بگذاریم و افغانستان کنونی را مستقل معرفی بداریم؟!

هموطنان گرامی!

هرگاه از چنین منظری به قضایا نظر اندازیم و در کنار آن که حضور مستقیم ارتش اشغالگر را می بینیم، موافقتنامه ها و مقاولات اسارتبار را نیز در نظر داشته، به مفهوم استقلال از دید حقوق بین الدول توجه نمائیم، حتماً متوجه خواهیم شد که با تأسف در وضعیت مستعمراتی کشور کدام تغییری به وجود نیامده، کشور ما هنوز هم مستعمره مقهور امپریالیسم امریکا و شرکاء و رقبای منطقه ئی و بین المللی آنها می باشد.

در چنین وضعی نظام ملاسالار نیز یک نظام دست نشانده و منقاد بیش نبوده، ضرب المثل "کله پز برخاست جایش سگ نشست" را مصداق کامل می باشد.

این رشته سر دراز دارد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!